

توجه اسلام به شخصیت روانی و اجتماعی مجرم!

نگاهی به يك مقاله حقوقی

وماهیت او تسلیم متصدیان اجرا گردد، و سپس ادامه میدهد: دادرسی امروزه مانند صدسال قبل فقط ناظر واقعه و جرم ارتكابی است و به شخصیت روانی و حیاتی و اجتماعی متهم التفاتی ندارد در صورتیکه شخصیت متهم موضوع مهم واقعهی ارتكابی است و صدور حکم بدون وقوف به شخصیت سه گانه فوق الذکر ممکنست به خسران جامعه تمام بشود، تا اینکه می نویسد «غالب دولتها از انجام وظائف اخلاقی خود سر باز می زنند، کودکان بی کس به ولگردی خود ادامه میدهند؛ مزد کافی بکارگران داده نمی شود، اشخاص لایق گمنام زیست میکنند و عرصه اجتماع جولانگاه اشخاص غیر منقی و نابکار قرار می گیرد، و سپس برای اصلاح وضع موجود طرحهایی ارائه داده اند که بدابه بررسی آنها میپردازیم!

در شماره پیشین قسمتی از مقاله ی علمی را از یک کتاب حقوقی از انتشارات دانشگاه تهران نقل کردیم که نویسنده محترم آن پس از انتقاداتی بجای اصولی از روش قضائی فعلی نوشته بود: اشکال مهم این است که در روش قضائی ما، جرم را مجرد از مجرم بررسی می کنند و کیفر را نوشدارویی برای درمان تمام دردهائی که بنام بزه خوانده می شود میدانند؛ سپس نویسنده محترم برای تأیید مقال خویش گفتار یکی از شخصیت های بزرگ قضائی کشور را نقل کرده اند که او نیز به استناد به گفته «انریکو فری» دانشمند جامعه شناس و سیاستمدار ایتالیائی می نویسد: «امروزه در نظر قضات، متهمی که بداد گستری اعزام می گردد مجسمه ای است که باید بر ناصیه او ماده انطباقی حقوق جزا الصاق شود و قبل از تشخیص حقیقت

خوانندگان بصیر و آگاه می‌دانند که آئین دادرسی کیفری جاری در کشور ما و همچنین قوانین آن از قوانین اوائل قرن نوزدهم فرانسه گرفته شده است در حالیکه مسلمانان همیشه معتقد بوده‌اند که تنها منبع صلاحیت‌دار برای وضع قانون، آفریدگار بشر بوده و قوانینی که از افکار بشر تراوش کرده و ساخته‌منز- های انسانی است هرگز نمیتوانند ضمن سعادت اجتماع بوده و خوشبختی جامعه‌ها را تأمین نماید، حال اگر دنیای غرب از نعمت قوانین الهی محکم، بملت مسیحی بودن و اعتقاد به کتاب محرف و منسوخ انجیل محروم باشد، جای بسی تأسف است که ملت‌های مؤمن به قرآن با داشتن منابع غنی فقه اسلامی بواسطه دنباله- روی غلط از غرب، موجبات بدبختی خود را فراهم آورند بقول همین نویسنده (۱) قریب است که نیروی انسانی و ملیاردها سرمایه نقدی صرف تکرار آرزو- مسون بیهوده شده و هر قدر که زمان پیش می‌رود به همان میزان از عدالت دورتر می‌شویم: و دادرسی کیفری: منطبق بر پیشرفت‌های علمی نیست (۲)

و اکنون هم که با شتاب‌هاست گذشتگان پی برده‌اند و به اصطلاح در صد جبرانند، باز هم دوی درد را از غرب می‌خواهند و ابداً توجهی به منابع اسلامی ندارند؛ غافل از اینکه: غرب اگر عرضه داشت وضع خود را اصلاح میکرد تا گلوگاه درلجنزار دزدی، فحشاء، قتل و جنایت غوطه‌ور نبود؛ انتظار اصلاح از

غرب همچون داوروی سرخروئی، از طبیب زردمبو- خواستن است!

مادر شماره گذشته دو نمونه از میان صدها نمونه که در منابع اسلامی ضبط است نقل کردیم که در حدود چهارده قرن قبل پیشوایان اسلام، توجه کامل باین موضوعی که فعلاً آقایان به آن پی برده‌اند، داشته‌اند و معتقد بوده‌اند: جرم را نباید مجرمان مجرم بررسی کرد و به خصوص در مورد، زنا و نوز- که در شماره قبل نقل کردیم - به شخصیت‌های روانی و حیاتی و اجتماعی مجرمین توجه کامل مبذول شده! و از این جهت درباره آنها شش گونه حکم صادر گردیده در حالیکه جرم ارتكابی يك نوع بوده است!

و نیز در مورد تقصیر دولتها: که نویسنده محترم از یکی از شخصیت‌های بزرگ قضائی کشور بازگو کرده است ومانیز فوقاً آنرا نقل نمودیم، نمونه بسیار جالبی در دوازده قرن قبل! در عصر مأمون خلیفه عباسی اتفاق افتاده که حضرت علی بن موسی الرضا (ع) با توجه و تصریح به تقصیر حکومت، فرمان آزادی دزدی را که خود اقرار به دزدی کرده بود صادر فرمودند و چون این قضیه صرف نظر از موضوع مورد بحث، از جهات دیگری نیز روشنگر بینش وسیع پیشوایان عالیقدر اسلام، و تربیت شدگان مکتب حیاتی آن است به نقل آن عبادت می‌ورزیم!

در زمان مأمون خلیفه عباسی مردی را بجرم دزدی

(۱) صفحه ۱۱ کلیات مقدماتی حقوق

(۲) درست می‌گوید: نیروی انسانی و ملیاردها سرمایه نقدی صرف تکرار آزمون بیهوده شده، ولی عمرا این آزمون در کشور ما به قریب نماند، زیرا از بنیاد دادگستری ما، هنوز یک قرن نگذشته تا چه رسد به قریبها.

نزد خلیفه آوردند ، حضرت علی بن موسی الرضائین در مجلس مأمون حاضر بود ؛ دزد مردی ظاهر المصاح بود و اثر سجده بر پیشانی داشت مأمون چون قیافه وی را بدید گفت : اف بر این ظاهر زیبا و کارزشت ! آيا شایسته است با این ظاهر نیکویت ترا با اتهام دزدی اینجا بیاورند ؟

دزد گفت : من این کار را از روی اختیار نکردم ، بلکه از ناچاری دست بدزدی زدم ! من بهنگامی دست بسرقت آلودم که توحق مرا از خمس و غنائم - بیت المال گرفتی و بما از حتمان چیزی ندادی ! مأمون گفت : توجه حقی در بیت المال داری ؟

دزد گفت : خدا یتعالی در بیت المال سهمی برای ابناء سبیل و درماندگان در سفر مقرر فرموده و تو مرا که ازابناء سبیل و در راه سفر درمانده از حقم محروم داشته ای ، چاره ای نداشتم و پناهگاهی نجستم با اینکه حافظ قرآنم ناچار شدم دست بسرقت بزنم تا سد جوع کنم ، اضطرار مرا و ادار به این کار کرد و گرنه از این کار بیزارم .

مأمون گفت : منظور تو این است که با این حرفها من حدی از حدود الهی را تعطیل کنم و ترا که دست بدزدی آلوده ای بدون کیفر رها کنم ؟ نه بخدا !

دزد گفت : اول بکار خویش پرداز و خود را تظہیر کن ! و سپس بتظہیر دیگران پرداز ، نخست حد الهی را درباره خویش جاری ساز ، آنگاه دیگران را احد بزین !

مأمون رو به حضرت رضای (ع) کرد و گفت : من منظورا این مرد را نمی فهمم چه میگوید ؟

حضرت فرمود : منظورا این است که چون تو حق او را دزدیده ای او نیز مجبور به دزدی شده

است !

مأمون سخت بر آشفت و به مرد دزد گفت : بخدا قسم تو را کیفر خواهم داد .

تو خود آلوده ای و شخص آلوده نمی تواند پلیدی چون خود را پاک کند بلکه شخص پاکی باید تا آلوده ای را پاک سازد و کسیکه خود مستوجب حد و عقوبت شرعی است چگونه می تواند دیگری را حد بزند ؟ مگر آنکه از خود شروع کند مگر نشنیده ای که خداوند میفرماید : « و یا مردم را به خیر و خوبی فرمان می - دهد و خود را فراموش می کندید در حالیکه کتاب خدا را تلاوت می کنید ؟ آیا در این کار نمی اندیشید ! »

در این هنگام مأمون دگر باره رو به حضرت رضا کرد و نظر حضرت را سؤال نمود !

حضرت فرمود : خداوند متعال به پیامبر فرمود : « خدای را حجت بالغه است ، حجت بالغه حجتی است که چون بشخص نادان برسد همچون دانا بفهمد و کلیه امور دنیا و آخرت بسته بهمین حجت بالغه است و اکنون این مرد در مقابل تو حجت بالغه آورد .

مأمون با شنیدن فرمان امام (ع) ، دستور داد دزد را آزاد کرد و خود او از شدت شرمندگی از مجلس بیرون رفت !

در مورد اصل کیفر نیز که نوشته اند : کیفر تنها نمیتواند مجرم را اصلاح کند (۳) و گمان می کنند کشف تازه ای است که حضرات به کمک دانشمندان غرب نموده اند ؛ اگر به منابع و مدارک اسلامی مراجعه کنیم می بینیم در اسلام در مورد حدود که از حقوق الهی (۳) رجوع شود به شماره قبل همین سلسله مقالات .

است ، سعی شده حتی الامکان مجرم را از مجازات معاف دارند ، با این توضیح که : در اسلام اساس قضاء بر سه پایه متین استوار است ۱ - قوانین جرائی محکم و صحیح و در عین حال رعبانگیز ۲ - سرعت عمل در رسیدگی صحیح و دقیق به پرونده ۳ - صدور و اجرای حکم بطور صریح و قاطع .

ما معتقدیم که اگر قوانین صحیح و محکم الهی ب مردم ابلاغ شد و در رسیدگی به پرونده ها همانطور که شأن دادگستری اسلامی است - دقت و سرعت معمول گردید و هیچگونه اعمال نفوذی در اصدار و اجرای حکم مؤثر نبود مساوات کامل در برابر قانون - آنطور که اسلام و رهبران آن می خواهند عملی شد ، رعب و هیبت قانون و دستگاه قضائی اثر خود را در اصلاح اجتماع خواهد بخشید . و حتی الامکان نوبت به اجرای حکم که با توجه به اصل محکم : «**الحدود نذرة** بالشبهات» (مجازات ها در موارد مشکوک باید موقوف گردد) درباره آن سختگیری نشده ، نخواهد رسید .

بنابراین آنچه اکنون در مورد انتقاد از حکم دست بردن دزد در اسلام ، گفته می شود : این حکم بی رحمانه است ! و یا اگر این قانون اجرا شود بایستی بیشتر دستها بریده شود و بر طبق شعر معروف : **گر حکم شود که مست گیرند در شهر هر آنچه هست گیرند ، ناشی از بی اطلاعی از قوانین اسلامی و کم و کیف و حدود و شرایط آن است .**

مثلاً در اجتماعی که تا کنون احکام اسلامی در آن اجرا نشده اگر بخواهند قوانین اسلامی را اجرا

کنند ، متلاطف بماسبق نمی نمایند ، قبلاً آگهی می کنند ، مردم را در جریان می گذارند ، دستگاه قضائی را بر نك وصیغه اسلامی در می آورند ، آنگاه وقتی مردم فهمیدند اگر کسی دزدی کرد بزودی گزارش به دادگستری اسلامی می افتد در کوتا -

هترین فرصت به جرمش رسیدگی می کنند ، ماهها و سالها پرونده اش خاک نمیخورد و به چاه و پیل ! سرانزیر نمی شود ! و اگر جرمش ثابت شد ، - با شرایط مخصوص - فوری حکم درباره اش اجرا میشود هیچگونه اعمال نفوذ و توصیه نمیتواند جلو صدور و اجرای حکم را بگیرد ! یقیناً وضع عوض خواهد شد ، بزهکاران نیز از ترس قانون دست از جرم و جنایت خواهند کشید ، مضافاً بر اینکه با اجرای احکام اسلامی ، عدالت اجتماعی نیز برقرار خواهد گردید ، فقر و بیچارگی نیز ریشه کن خواهد شد ، و خلاصه تحول همه جانبه ای در تمام شؤون اجتماعی مردم پدید خواهد آمد ، نه آنکه تصور شود ، با نفوذ کامل نام غلط سرمایه داری غربی و ادامه فقر عمومی ، و انحصار کار و ثروت در دست عده ای محدود ، تنها اسلام اجازه خواهد داد با زهم به نفع سرمایه داران به قطع دست آفتاب دزدها ، و گرسنه ها مشغول شوند !

خیر ! همانطور که قبلا هم در این سلسله مقالات بیان شده ، حکومت اسلامی ، اصلاح را از بالا شروع میکند و به موازات آن به سایر طبقات می پردازد . دنباله دارد